

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Components of Rationalism in Miniatures of Shahnameh
A Case Study of the Miniature of "Tahmina Comes into Rustam's Chamber"
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مؤلفه‌های خردگرایی در نگاره‌های شاهنامه مورد پژوهی نگاره «دیدار تهمینه و رستم»

رؤیا رضاپور مقدم^۱، حمیده حرمتی^۲

۱. کارشناس ارشد هنرهای اسلامی گرایش نگارگری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
۲. دکتری زبان و ادبیات فارسی، استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۰۵ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۷ تاریخ انتشار: ۹۸/۱۱/۰۱

چکیده

بیان مسئله: مضمون خرد از بن‌مایه‌های اصلی اندیشه فردوسی در شاهنامه است. او در اندیشه خردستای خود علاوه بر گرایش‌های فردی و اجتماعی به آموزه‌های مزدایی و فرهنگ اسلامی نیز توجه داشته و خرد را در ابعاد مختلف آن، چه در معنی خرد عمومی و ناب بشری، در دو نوع فطری و اکتسابی، و چه در معنای خرد حکمی، ستوده است. داستان‌های شاهنامه از سویی، همچون بستری مناسب برای اشاعه این مضمون بوده و از سویی دیگر، در ادوار مختلف به‌عنوان یکی از مهمترین منابع انگیزشی برای شکل‌گیری نگاره‌ها مورد توجه نگارگران قرار گرفته‌اند. از جمله این حکایات ماجرای دیدار تهمینه و رستم است که در مکاتب مختلف نگارگری با همین عنوان، مصور شده است. از این‌رو مسئله اصلی در این مقاله چگونگی ترجمان بصری این مضمون کلیدی در نگاره دیدار تهمینه و رستم است.

هدف: در این پژوهش، مطالعه مضمون خرد، بیان انواع آن در اندیشه فردوسی و چگونگی تدابیر تجسمی نگارگر در بازنمود تصویری این مضمون در نگاره «دیدار تهمینه و رستم» است.
روش تحقیق: در مقاله حاضر، با روش مطالعه موردی، ابتدا توصیف نگاره دیدار تهمینه و رستم از بعد صوری و سپس تحلیل مفاهیم مستتر در ورای عناصر با محوریت مضمون خرد صورت گرفته است. در این راستا اطلاعات از دو طریق اسناد مکتوب و مشاهده گردآوری شده‌اند.
نتیجه‌گیری: تأمل در مفاهیم مستتر در عناصر بصری نگاره دیدار تهمینه و رستم نشان از آن دارد که نگارگر به تأثیر از فردوسی با مضمون خرد آشنا بوده و به بیان و ترجمان بصری آن در روند طرح‌ریزی و مصورسازی نگاره اهتمام ورزیده است. از همین‌رو، نگاره در دو بعد صورت و محتوا متضمن بازنمایی مضمون خرد است که مواردی همچون موقعیت مکانی شخصیت‌های اصلی، نقوش و آرایه‌های تزئینی، رنگ‌پردازی و حضور ضمنی عدد سه تحقق این امر را فراهم نموده‌اند.
واژگان کلیدی: خرد، شاهنامه، مؤلفه‌های خردگرایی، نگارگری ایرانی، تهمینه و رستم.

مقدمه و بیان مسئله
شاهنامه است. فردوسی علاوه بر گرایش‌های فردی و اجتماعی خود، در بسط و اشاعه این مفهوم، وام‌دار متون باستانی ایران و منابع دینی بوده است. در متون اوستایی، پهلوی و اسلامی

خرد و خردورزی یکی از مفاهیم بنیادین در داستان‌های

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۴۱۷۷۰۸۷ rezapour@tabriziau.ac.ir

و رستم مقالات بسیاری در زمینه شخصیت‌شناسی، ازدواج، خردگرایی و غیره نگاشته شده است که از آن میان می‌توان به مقاله‌هایی همچون «تهمینه کیست؟ پژوهشی در اسطوره‌شناسی تطبیقی» (مختاریان، ۱۳۸۶)، «بررسی پیوند آداب زناشویی و امور خانواده در شاهنامه فردوسی» (خاتمی، ۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی شخصیت‌های تهمینه و آرتیمیس» (رویانی، ۱۳۹۴) و «نقد خرد در شاهنامه» (وجدانی، ۱۳۹۱) اشاره نمود. اما در زمینه مطالعات تصویری و نگارگری، منابع مختصری را می‌توان یافت مانند کتاب *باغ‌های خیال* که کوورکیان (۱۳۷۷) در آن از نگاره دیدار تهمینه و رستم و بستر زمانی و تاریخی آن سخن مختصری رانده است و یا کتاب *نقاشی ایرانی از دوران مغول تا قاجار* منتشر شده توسط مرکز مطالعات خاورمیانه در دانشگاه کمبریج که در مدخل «شاهنامه و اهمیت آن» به نگاره‌هایی از ادوار متفاوت با موضوع دیدار تهمینه و رستم را بررسی کرده است (Hillenbrand, 2000, s.v. Shahname) و با نگاهی اجمالی نگاره‌ها را از منظر ترکیب‌بندی مورد بررسی تطبیقی قرار داده است. همچنین در وب‌گاه موزه هنر هاروارد (Harvard Art Museums)، که محل نگهداری این نگاره است، اطلاعاتی پایه‌ای در رابطه با اثر آمده است. اغلب پژوهش‌های مذکور، صورت و ترکیب بصری نگاره را، فارغ از محتوا و مضامین مستتر در ورای عناصر بصری که برگرفته از بنیان شاهنامه است، مورد توجه قرار داده‌اند. در نتیجه تدوین مقاله‌ای با این هدف، که این نکات را در نگاره دیدار تهمینه و رستم با تأکید بر مضمونی خاص و بنیادین همچون خرد مورد مطالعه قرار دهد، ضرورت می‌یابد.

روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر با روش مطالعه موردی نگاره دیدار تهمینه و رستم را مورد توصیف و تحلیل قرار داده است. مطالعه موردی یکی از روش‌های پژوهش در تحقیقات کیفی است که تمرکز آن بر مطالعه عمیق نمونه معینی از یک پدیده است که به آن مورد می‌گویند و با هدف ارائه توصیف کامل و دقیق، شرحی غنی از پدیده فراهم می‌آورد؛ شرحی که زمینه را بازآفرینی می‌کند و به پیوند مضامین و مفاهیم ذاتی موجود در زمینه نیز می‌پردازد (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۰). بدین منظور ابتدا به توصیف انواع خرد در شاهنامه پرداخته خواهد شد و سپس با توصیف داستان و نگاره، مؤلفه‌های بصری نگاره از منظر مفهوم خردگرایی، با نگاهی از کل به جزء، مورد تحلیل قرار خواهد گرفت که از کادر و معماری شروع شده و در ادامه به پلان‌بندی، شخصیت‌ها، رنگ، آرایه‌ها و ابزار و وسایل داخل بنا در نگاره منتهی می‌شود. در پایان، برآیند خردگرایی که حضور مستتر سهراب در نگاره است مورد بررسی قرار خواهد گرفت. شایان ذکر است که در این

از دو نوع خرد فطری و اکتسابی همراه با دو رویکرد نیک و بد به خرد اکتسابی سخن رفته است. فردوسی نیز به اقتضای سخن در برخی از داستان‌ها از جمله داستان انوشیروان عادل و داستان رستم و سهراب به خرد و اهمیت آن اشاره کرده است. با توجه به ابیات شاهنامه، خرد فطری بهترین داده الهی است که هر کسی یارای ستایش آن را ندارد، راهنما و دلگشای حیات آدمی و دست‌گیر انسان‌ها در دو سرای است. عظمت خرد در اندیشه فردوسی تا بدان‌جاست که او پس از حمد الهی، نخستین ابیات شاهنامه را در ستایش خرد آغاز می‌نماید و چنین خردی را در درون‌مایه تمام وقایع شاهنامه اعم از انتقام‌خواهی، گذشت، بزم، جنگاوری، عشق‌ورزی و غیره می‌گنجانند. شاهنامه علاوه بر آموزه‌های حکمی و حماسی خود، به سبب تصویرآفرینی‌های شگفت در توصیف وقایع، از همان ابتدا نظر بسیاری از نگارگران را در بازآفرینی‌های هنری به خویش معطوف نمود که به‌موجب آن داستان‌هایی از شاهنامه، گاه به‌صورت موردی و گزینشی همچون گلچین اسکندر سلطان در دوره تیموری و گاه به‌صورت یک مجموعه کامل همچون شاهنامه‌های بایسنقری در دوره تیموری و شاهنامه شاه طهماسبی در عصر صفوی تصور شد. داستان‌های عاشقانه شاهنامه در میان گستره متنوعی از پهلوانی‌ها از جذابیت ویژه‌ای برخوردار است. فردوسی در خلال داستان‌های حماسی، با بیانی دلنشین از عشق‌ورزی پهلوانان و جنگاوران دلیری همچون رستم سخن گفته است که ترجمان بصری آن را می‌توان در نگاره دیدار تهمینه و رستم در ذیل داستان رستم و سهراب مشاهده نمود. این داستان یکی از داستان‌های چندوجهی شاهنامه است که در آن تراژدی، عشق‌ورزی، خردگرایی و کین‌خواهی در هم می‌آمیزد. مطلب قابل تأمل در این نگاره، چگونگی بازنمایی صحنه عاشقانه دیدار تهمینه و رستم و قربات محتوایی آن با داستان، از منظر مفهوم خرد، است. از همین‌روست که در مواجهه با نگاره حاضر و بررسی اولیه آن، این پرسش مطرح می‌شود که آیا نگارگر، ضمن مصورنمودن داستان، به مضمون خردگرایی نیز توجه داشته است و، در صورت توجه‌داشتن او، ترجمان بصری این مضمون کلیدی را در چه عناصری بازنمایانده است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

چارچوب نظری در این مقاله بر مبنای مفهوم خرد، تبیین انواع آن در اندیشه فردوسی و چگونگی نمود آن در داستان و نگاره‌های شاهنامه شکل گرفته است. براساس این متغیر نگاره دیدار تهمینه و رستم، که اثری برجای‌مانده از مکتب نگارگری شیراز در دوره تیموری است، انتخاب شده که در دو بعد صورت و محتوا بررسی می‌شود و چگونگی نزدیک‌بودن آنها با مفهوم خرد آشکار می‌شود. درباره داستان دیدار تهمینه

انکارناشدنی است. خداوند خرد را دوست‌داشتنی‌ترین مخلوق خود می‌خواند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۸) و آن را به صفت نکویی و خیر متصف می‌داند، همچنان‌که خردمندترین مردم نیکوکاران ترسان از خدای سبحان معرفی می‌شوند (آمدی، ۱۳۸۰). بنابراین، شاهنامه فردوسی، همچون بستری ارزشمند، جلوه‌گاه تلفیق و آمیختگی فرهنگ ایرانی و اسلامی شده که به‌موجب آن خرد به یکی از کلیدواژه‌های شاهنامه و وجه فکری ممیز فردوسی از دیگر شاعران هم‌عصرش تبدیل شده است.

انواع خرد در شاهنامه

در متون کهن ایرانی، به‌ویژه اوستایی و پهلوی، همچون مینوی خرد، اندرز اوشنر دانا، سی‌روژه کوچک و سی‌روژه بزرگ در خرده‌اوستا، به دو نوع خرد فطری و اکتسابی اشاره شده «که در متون پهلوی به خرد غریزی و ایزدی، آسن خرد و به خرد کوششی، گوشان سرود خرد گفته شده است» (رضایی و خاتمی، ۱۳۹۵، ۱۲۰). همچنان‌که در متن اندرز اوشنر دانا درباره این دو خرد آمده است، «از دستوران دانا سخن ایدون اشنوده است به آسن خرد، گوشن سرود خرد سزد دانستن... از دستوران دانا چنین سخن شنیده‌ام، به عقل فطری و عقل اکتسابی، دانستن سزاوار است» (اندرز اوشنر دانا، ۱۳۷۳، ۴۹). براساس متون فوق، خرد فطری موهبتی است که از جانب پروردگار به همه انسان‌ها هدیه شده است و خرد اکتسابی براساس کوشش و علم‌آموزی خود شخص حاصل می‌شود و می‌تواند از درجات متفاوتی برخوردار باشد. فردوسی نیز در شاهنامه به هر دو خرد اشاره نموده است و در حکایات خود، هنگامی که کلمه خرد را با فعل «دادن» همراه می‌کند منظور او خرد فطری است.

خرد داد و جان و تن زورمند

بزرگی و دیهیم و تخت بلند

(فردوسی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ۴۷۰)

و هنگامی که خرد را با فعل «آموختن» همراه می‌کند منظور خرد اکتسابی است (اندرز اوشنر دانا، ۱۳۷۳، ۱۲۲).

بیاموختش بزم و رزم و خرد

همی‌خواست کش روز رامش برد

(فردوسی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ۴۳۸)

در تبیین خرد از جانب متون آیین مزدایی و اسلامی به دو کارکرد خرد نیز اشاره شده است. در این توصیف، خرد نیک خردی است که گرایش به اعمال نیکو دارد و موجب تعالی می‌شود. خردی که تمایل به رذایل اخلاقی دارد و دچار آفت شده است خرد بد معرفی می‌شود. در مباحث اسلامی نیز خرد ستوده اگر به خشم و پلشتی‌ها آلوده بوده به شعوری مرموز تبدیل می‌شود که عقلانیت مطلوب آن عقلانیتی سودجو است (وجدانی، ۱۳۹۱) که در تعالیم دینی از آن به «نکراء و شیطنت» یاد شده و شعوری فاقد ارزش است (کلینی، ۱۳۷۲).

روند، از منابع کتابخانه‌ای نیز به منظور غنی‌ساختن بحث‌ها استفاده شده است.

مضمون خرد در شاهنامه

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه بر نگذرد

(فردوسی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ۱)

همان‌طور که از بیت فوق مشخص می‌شود، حکیم ابولقاسم فردوسی، شاهنامه را با ستایش خرد آغاز می‌نماید. او ابتدا لب به ستایش پروردگار می‌گشاید و سپس به مدح خرد می‌پردازد. واژه خرد با بسامد زیادی در متن شاهنامه به چشم می‌خورد، به‌طوری‌که در شاهنامه در داستان انوشیروان عادل این واژه ۳۵ بار تکرار شده است. خردی که فردوسی به تمجید آن پرداخته منحصراً به معنای قوه ادراک نیست، بلکه با اوصافی که خرد در شاهنامه به آن متصف است نقش نیرویی برتر و کیهانی را بر عهده دارد. در واقع خرد قابلیت است که موجودات را به خدانشناسی و تشخیص نیک و بد راهنمایی می‌کند و سرنوشت انسان در گستره هستی به او سپرده می‌شود (موسوی و خسروی، ۱۳۸۹). از همین‌روست که او جایگاه والایی را برای خرد در ابیات خود محقق می‌سازد و آن را «برترآفریده پروردگار می‌داند که وظیفه خطیر راهنمایی و یاری‌رسانی به انسان را بر عهده دارد» (وجدانی، ۱۳۹۱: ۴۶).

خرد بهتر از هرچه ایزد بداد

ستایش خرد را به از راه داد

(فردوسی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ۱)

هر آن کس که باشد خداوندگاه

میانجی خرد را کند بر دو راه

(همان، ج. ۲، ۱۲۴۱)

آنچه فردوسی را به این مضمون کلیدی سوق داده شرایط روزگار او و توجه به متون برجای‌مانده از فرهنگ و تمدن ایرانی است. فردوسی فرزند دوران طلایی تمدن ایران یعنی قرن‌های چهارم و پنجم است که آن را قرن «اعتلای فکری و فرهنگی ایران، عصر خردگرایی و آزاد اندیشی» (ریاحی، ۱۳۷۵) می‌نامند. شاهنامه از سویی با توجه به جریان فکری روزگار خود به‌ویژه حکمت و معرفت اسلامی و از دیگر سوی به‌واسطه تأسی از آیین باستانی مزدایی، متون کهن اوستایی و پهلوی به ستایش خرد پرداخته است. در آیین مزدایی، اورمزد از منش خویش به انسان‌ها خرد می‌بخشد: «آنگاه که از برای ما تو، ای مزدا، در آغاز جهان دین آفریدی و از منش خویش خرد بخشیدی» (گات‌ها، ۱۳۸۴، ۴۶۴) که پالوده و نیک است. در غیر این‌صورت «خردی که با آن نیکی نیست آن را خرد نباید شمرد» (تفضلی، ۱۳۸۵، ۳۳). در تعالیم اسلامی نیز همچون آموزه‌های مزدیسنا جایگاه متعالی خرد

سمنگان» و از نژاد «هژبر و پلنگان» معرفی می‌شود که از مدت‌ها پیش با شنیدن اوصاف رستم به او دل سپرده و در شوق وصال بوده است. آرزوی تهمینه زمانی محقق می‌شود که رستم به سرزمین توران می‌آید و با دیدن دشتی پر از شکار، گورخری را شکار می‌کند و پس از خوردن به خواب می‌رود، غافل از اینکه چند سوار تورانی رخس را گرفته و با خود می‌برند. رستم، پس از بیدار شدن از خواب، رخس را نمی‌یابد و در جست و جوی او به شهر سمنگان می‌رود. پادشاه سمنگان از رستم به خوبی استقبال می‌کند. او را در کاخ مهمان می‌نماید و جشنی ترتیب می‌دهد. پس از جشن، رستم مست به خوابگاه می‌رود و تهمینه در آرزوی وصال به خوابگاه رستم وارد می‌شود و خواسته خود را، که ازدواج با رستم و داشتن فرزندی از نژاد اوست، مطرح می‌کند.

رستم نامدارترین پهلوان شاهنامه است که با دلیری تمام پا به صحنه‌های نبرد نهاده و از حضوری کارساز برخوردار است. فردوسی در پرداختن به رستم نه تنها جنگاوری بلکه خردورزی او را نیز می‌ستاید و در کشاکش سخت‌ترین لحظه‌ها، از رستم با صفاتی همچون دانا و میانجی‌گر و دیگر اوصاف مربوط به یک فرد خردمند یاد می‌کند که در داستان کاموس کشانی در توصیف رستم این چنین می‌سراید:

سر مایه مردی و جنگ از اوست
خردمندی و دانش و سنگ از اوست
به خشکی چو پیل و به دریا نهنگ
خردمند و بینادل و مرد سنگ
(فردوسی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ۴۸۷)

رستم به عنوان فردی خردمند مسئولیت‌های خطیری را بر عهده می‌گیرد که با تدبیر و نیک‌اندیشی سرانجام امور را به خوبی رقم می‌زند، کنش‌های بخردانه او را می‌توان در جریان شکست شهر تور، فرونشاندن خشم کیخسرو، دو شرط خردورزانه در آشتی با تورانیان، فریفتن اکوان دیو، گشودن دژ سپند، رهانیدن کیکاووس از چنگ شاه هاماوران و غیره دریافت (رضایی دشت‌ارژنه، ۱۳۹۲). او مرد «حقی است که با قدرت و شجاعت به عرصه پیکار با شیطان نفس می‌رود تا به درگاه دوست راه یابد» (شعبانی، ۱۳۸۴، ۶۰۹). در شاهنامه، پیکار با نفس و اطاعت از فرمان یزدان و پرهیز از نخوت دل از اوصاف خردمندان است که رستم، پهلوان ایرانی، به آن آراسته است، آنجا که به شاه هاماوران اندرزهایی می‌دهد تا بتواند کینه او را از کیکاووس دور کند.

اگر جنگ را من بجنیم ز جای
ندانند سر را بدین کین ز پای
نباید کزین کین به تو بد رسد
که کار بد از مردم بد رسد
(فردوسی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ۲۳۰)

البته ذکر این نکته لازم است که فردوسی در سخن‌گفتن

از همین‌رو فردوسی نیز، در پرداختن به خرد، هر دو جنبه آن را در نظر می‌گیرد و بیان می‌دارد:

از او شادمانی و زویت غمی‌ست
وزویت فزونی و زویت کمی‌ست
(فردوسی، ۱۳۸۷، ج. ۲، ۱)

خردی که موجب شادمانی و غم می‌شود می‌تواند معرف دو جنبه کاربردی خرد اکتسابی باشد. خرد غریزی از آنجایی که موهبتی الهی بوده از سرشتی پاک و به دور از آلودگی برخوردار است در نتیجه نمی‌تواند متضمن اموری نادرست و ناشایست باشد. فلذا خرد اکتسابی به فراخور منبع فکری و منش صاحب خرد می‌تواند بر نیکی‌ها همت گمارد و یا بر پلیدی‌ها خود را بیاراید. همچنان که حکیم، در سخن از خرد ستوده آن را از مقوله نیکی معرفی می‌کند.

تو چیزی میدان کز خرد برترست
خرد بر همه نیکی‌ها سرست
(همان)

و در اشاره به بد خردی، افعال منفی نظیر فریفتن را در رابطه با خرد به کار می‌برد که بر آفت‌های حادث‌شده بر خرد نیک که ریشه در هوای نفس دارد اشاره می‌نماید.
که گر بر خرد چیره گردد هوا
نیابد ز چنگ هوا کس رها
(همان، ج. ۱، ۶۳۳)

خرد و درون‌شناسی شخصیت‌های داستان

شخصیت‌های شاهنامه براساس کلماتی که فردوسی در توصیف درون‌مایه آنها به کار برده است، برای مخاطبان معرفی می‌شوند. خصایص شخصیتی افراد در شاهنامه بر مبنای نوع تصمیم‌گیری‌ها، اعمال و رفتارهایی که آنها در مواجهه با رویدادها از خود بروز می‌دهند آشکار می‌شود. خردمندی از ویژگی‌هایی است که فردوسی آن را از ویژگی‌های شخصیت‌های فرمند و نیک‌اندیش داستان‌های خود قرار می‌دهد. چنان‌که پیش‌تر نیز ذکر شد، داستان رستم و سهراب از جمله داستان‌های شاهنامه است که فردوسی در آن خردمندی را از اوصاف ممیزه شخصیت‌ها قرار می‌دهد. در اینجا، پیش از پرداختن به شخصیت‌ها، ابتدا به اختصار به شرح داستان می‌پردازیم.

داستان دیدار تهمینه و رستم بخشی از داستان بلند حماسی و پهلوانی رستم و سهراب و همچنین یکی از عاشقانه‌های ادبیات حماسی است که تصویری قابل تأمل از آمیزش عشق و قدرت را به‌نمایش می‌گذارد. داستان‌های عاشقانه کتاب‌های حماسی شکوه خاصی دارند، زیرا در آنها دلاوری پهلوانان و لطافت دلبران به هم درمی‌آمیزد و از آن میان عظمت عشق به همان اندازه آشکار می‌شود که طنطنه و شکوه پهلوانی در رزم‌آزمایی (صفا، ۱۳۶۲). در کلام فردوسی در داستان دیدار تهمینه و رستم، تهمینه «شاهدخت

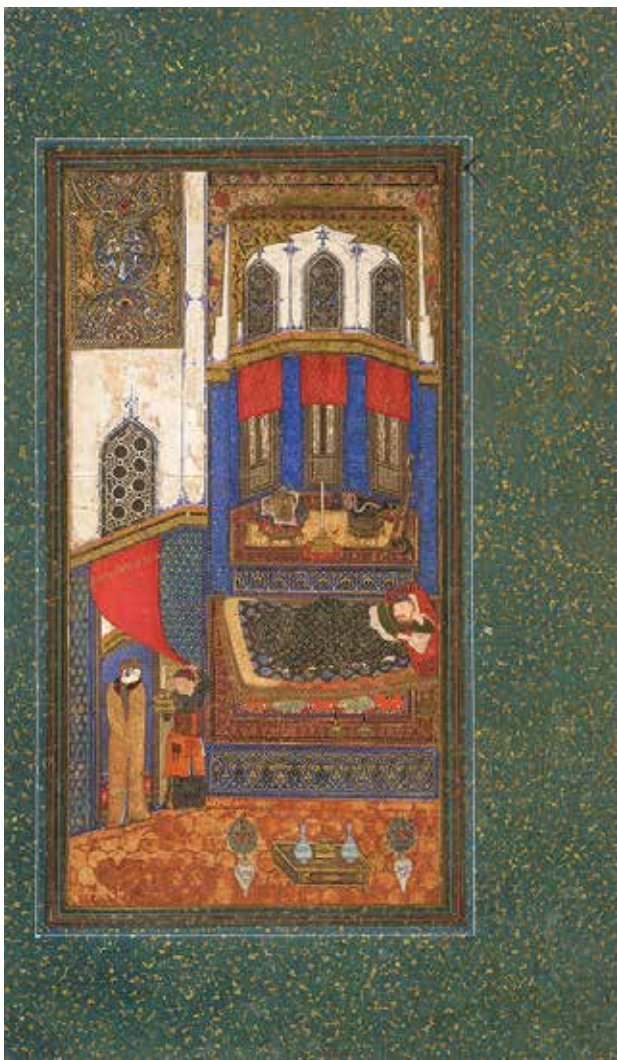
(اسلامی ندوشن، ۱۳۶۳) و این ویژگی در شخصیت زنانه تهمینه نیز مستتر است و او «همانند دیگر مظاهر انسانی، والایی و کمال دارد و تصویر او تحت الشعاع امیال و افراد نیست» (حریری، ۱۳۷۵، ۲۷).

توصیف نگاره دیدار تهمینه و رستم

نگارگر، در نگاره دیدار تهمینه و رستم، صحنه ورود تهمینه به خوابگاه رستم را تصویر کرده است (تصویر ۱). همچنان که فردوسی این صحنه را با این ابیات آغاز می‌کند:

چو یک بهره از تیره شب درگذشت
شباهنگ بر چرخ گردان بگشت
سخن گفتن آمد نهفته به راز
در خواب‌گه نرم کردند باز
(فردوسی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ۲۴۷)

براساس ابیات آغازین، نگارگر نیز مکان دیدار را در خوابگاه



تصویر ۱. نگاره دیدار تهمینه و رستم، قرن ۹ ق.، مکتب شیراز، مأخذ: <http://harvardartmuseums.org>

از رستم سعی نموده است پهلوان ایران زمین را زمینی تر و انسانی تر باز نماید، نه شخصیتی ماورایی و دست‌نیافتنی. از همین روست که در کنار توصیف از اعمال و افکار خردمندانه او از کنش‌های نابخردانه رستم نیز، اگر چه اندک، یاد می‌کند (رضایی دشت‌ارزانه، ۱۳۹۲). با این وصف رستم به‌عنوان نمونه‌ای از یک انسان کامل و متکامل (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۱) در شاهنامه مطرح است.

تهمینه همسر بزرگترین پهلوان حماسه ملی ایران است. جای شگفتی نیست که فردی خردورز همچون رستم در مسائل عاطفی نیز از شعور خویش پیروی کند و در گزینش همسر، منحصرأ به خصایص ظاهری از جمله زیبایی بسنده نکند و به ویژگی‌های باطنی، از جمله خردمندی و اندیشه‌ورزی او نیز، اهمیت دهد. از همین رو، زمانی که رستم با تهمینه مواجه می‌شود، فردوسی این‌گونه از او سخن می‌گوید و خصایص او را برمی‌شمارد:

دو ابرو کمان و دو گیسو کمند
به بالا به کردار سرو بلند
روانش خرد بود و تن جان پاک
تو گفתי که بهره ندارد ز خاک
(فردوسی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ۲۴۷)

فردوسی در این بیت «لطافت جسم تهمینه را همانند جان و روان او را به لطیفی خرد می‌داند و می‌گوید که تهمینه ترکیبی از جان و خرد بود که سرشت خاکی نداشت، تش به لطافت جان و روانش به لطیفی خرد بود» (رستگار فسائی، ۱۳۷۸، ۹۴). زمانی که رستم زیبایی و خردمندی را توأمان در وجود تهمینه یافت، دل در گروی او بست و با هم پیوند زناشویی بستند.

چو رستم بر آن سان پری‌چهره دید
ز هر دانشی نزد او بهره دید
و دیگر که از رخس داد آگهی
ندید ایچ فرجام جز فرهی
بفرمود تا موبدی پره‌نر
بیاید بخواهد ورا از پدر
(فردوسی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ۲۴۷)

در واقع پهلوان ایرانی، تهمینه را به اوصافی همچون زیبایی ظاهری و خردمندی متصف می‌یابد که به گفته فردوسی جایگاه خرد در روان تهمینه نهفته است. دختری خردمند و مستوره که تا به حال هیچ‌کس او را بیرون از پرده ندیده است، چراکه پرده‌نشینی، پاکدامنی و شرم‌داشتن یکی از صفات مطلوب و شاخصه‌های زنانگی در شاهنامه است و زنان به سبب اتصاف به صفت شرم همواره مورد ستایش واقع شده‌اند (نصر اصفهانی، ۱۳۷۹). تهمینه از سرزمین بیگانه است و با پهلوان ایرانی هم‌دیار نیست، اما برخلاف مردان، همه زنان بیگانه‌ای (البته به غیر از سودابه) که با ایرانیان پیوند می‌کنند از صفات عالی انسانی برخوردارند

بسیار بلند بر تن دارد که این پوشش به سهم خود «بازتابی است از سنت نگارگری آسیای میانه» (فریه، ۱۳۷۴، ۲۰۵) و بیانگر این مطلب است که نگارگر شخصیت‌های اثر خود را «با ویژگی‌های قومی و محلی ترسیم نموده و بر آنها لباس محل و زمان خود را پوشانده» (مانزو، ۱۳۸۰، ۶۸). در این پلان، ملازم شاهدخت نیز حضور دارد که پیشاپیش او با شمعی در دست به خوابگاه وارد می‌شود. او با کلاهی زرشکی بر سر، لباسی سبزرنگ و بالاپوشی راه‌راه به رنگ قرمز مصور شده است. در جیب لباس او دو دشنه و خنجر کوچک قابل رؤیت است که از نقش نگهبان‌بودن او نیز حکایت دارد و از همین روی، جلوتر از تهمینه با شمعی روشن در دست ایستاده و پرده خوابگاه را برای ورود شاهدخت کنار زده است.

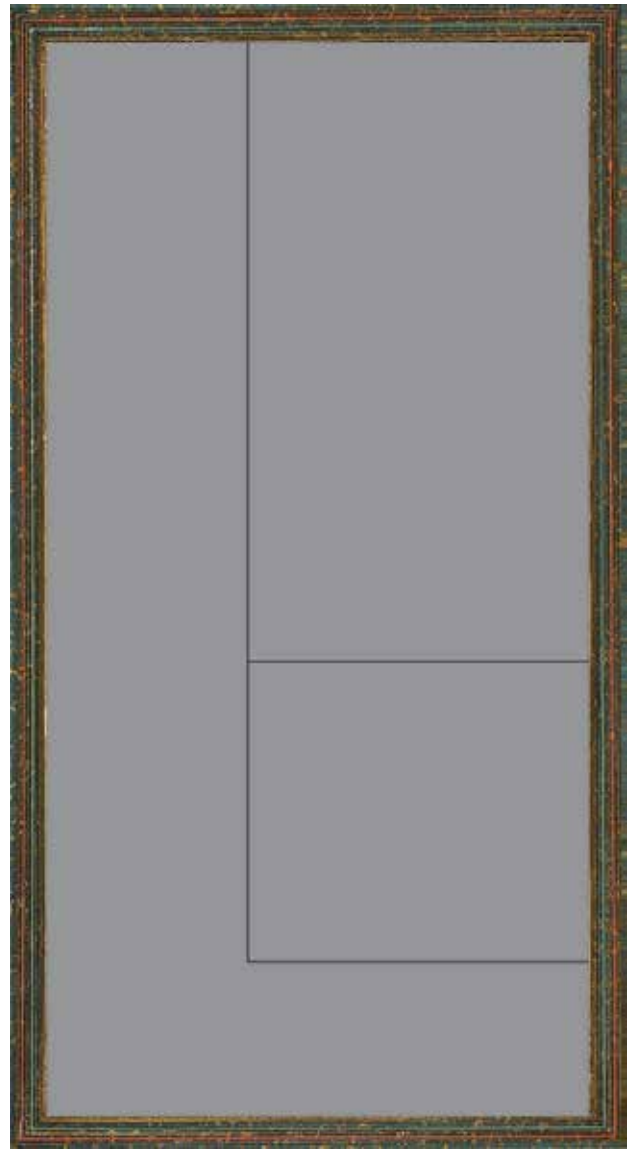
در پلان دوم، رستم با لباس راحتی سبزرنگ و دراز کشیده در رخت‌خوابی دوفنره مصور شده است که نگاهی تحسین‌آمیز و همراه با حیرت به تهمینه دارد. در پلان سوم، تاقچه‌ای شش‌ضلعی، عریض و کم‌ارتفاع طراحی شده است که بر معماری معمول زمان خلق اثر و ساخت تاقچه‌هایی با ارتفاع کم، که برای فرد نشسته و ایستاده به آسانی در دسترس باشد، اشاره دارد (پیرنیا، ۱۳۹۲). در میانه تاقچه، شمعدانی با شمع بلند قرار گرفته که نگاه مخاطب را به ترتیب به سه پنجره بسته با پرده‌هایی قرمز و سه پرورزبندی (قاب‌بندی) به شکل محرابی معطوف می‌کند.

تحلیل عناصر بصری نگاره از منظر اشاعه مضمون خرد

در این مبحث، موارد توصیف‌شده از جنبه محتوایی مورد بررسی قرار خواهند گرفت که یافته‌های حاصل از این امر در جدول ۱ به اختصار بیان شده است.

تهمینه: پاکدامنی و خردمندی تهمینه در نگاره به ترتیب در لباس پوشیده، حالت قرارگیری و موقعیت مکانی او نمود یافته است (تصویر ۳). پاکدامنی شاهدخت در بالاپوشی با آستین‌های بلند و یقه خردار دیده می‌شود. بالاپوش بلند نه تنها بدن بلکه دست‌های تهمینه را نیز پوشانده است. یقه خردار آن از سابقه نقش بغانه و جنبه‌های مثبت زنان سرزمین‌های بیگانه حکایت دارد (مختاریان، ۱۳۸۶) و بخشی از صورت تهمینه را در حالی که او در نهایت حجب و حیا سر را به پایین خم کرده در بر گرفته است. اما می‌توان ابراز داشت که خردمندی تهمینه در مترتبات مکانی او مستتر شده است. مطابق نگاره، تهمینه دقیقاً در فضای داخل خوابگاه ایستاده است. او برای قرارگرفتن در این موقعیت ویژه و هدفمند، دو موقعیت مکانی دیگر را طی کرده که به ترتیب شامل چهارچوب در و راهروی پشت سر اوست. سه موقعیت مکانی مذکور (داخل خوابگاه، چهارچوب در، راهرو) و همچنین پلان‌بندی سه‌قسمتی اثر، محتملاً دلالت

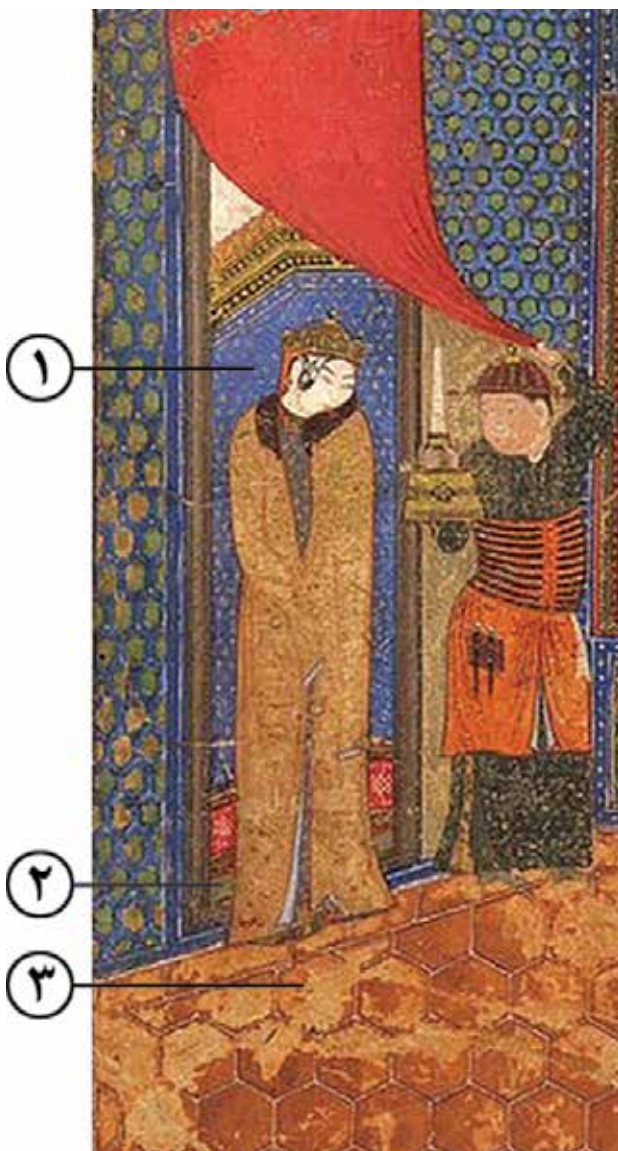
رستم و در کادر مستطیل عمودی طرح‌ریزی کرده است. خوابگاه به صورت یک فضای معماری کوچک، کشیده و کاملاً بسته نمایان شده است. در اندیشه ایرانیان «اگر خوابگاه خرد بوده، از آن خداوند خانه بوده و شایسته نبوده بیگانه‌ای به آن راه یابد» (پیرنیا، ۱۳۹۲، ۲۷). فضای رفیع و کشیده بنا که متأثر از نگاره‌های دوره جلاریان است در سه پلان تخصیص یافته است (تصویر ۲). پلان اول به تأسی از معماری دوره تیموری که در آن «عمده کاشی‌ها شش‌گوش هستند» (ویلبر و گلمبگ، ۱۳۷۴) با کاشی‌های شش‌ضلعی به رنگ صندل (قهوه‌ای) پوشانده شده و تهمینه شاهدخت سمگان را با «چهره بیضی‌شکل آل مظفر» (آزند، ۱۳۸۷، ۱۳۳) و «اندام باریک جلایری» (کنی، ۱۳۸۱، ۵۳) در خود جای داده است. بانوی محجوب تورانی لباسی به رنگ صندل روشن با آستین‌های



تصویر ۲. پلان‌بندی سه‌قسمتی نگاره. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. مؤلفه‌های بصری مضمون خرد در نگاره. مأخذ: نگارندگان.

محتوا	صورت
عدد سه نمادی از روحانیت، رمز و آگاهی	مترتبات مکانی تهمینه در سه موقعیت و لباسی با ماهیت بغانه
رنگ تعقل، تفکر و آرامش خردمندان	لباس سبزرنگ رستم
توصیف‌کننده دانایی، خرد و هوش	شمع
رنگ عالم عقل	گستره سفیدرنگ بر دیوار بنای خوابگاه
دارای ساختار قاعده‌مند و توان عقلانی هندسه	نقوش هندسی در بنای معماری
مظهر عقل و دارنده عقل	نقش مایه مار بر روی تیردان رستم



تصویر ۳. تهمینه و مترتبات مکانی او در نگاره. مأخذ: نگارندگان.

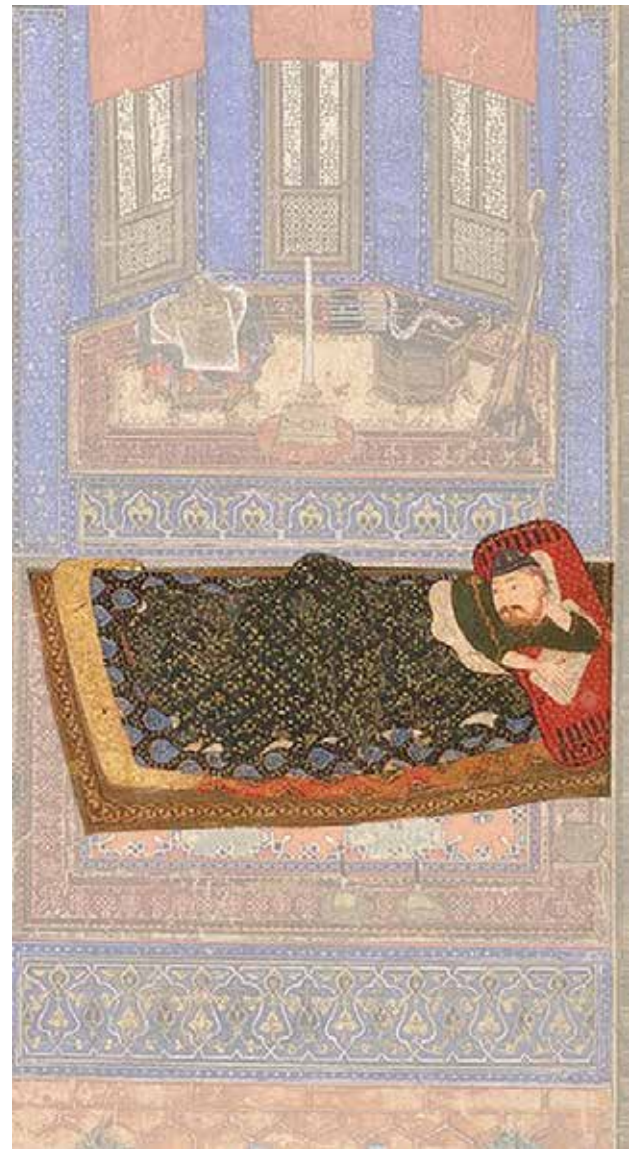
ضمنی بر کاربرد معنایی عدد سه دارند. در اساطیر، متون ملی، آیینی و در ادبیات ایرانیان عدد سه از اعداد پرکاربرد بوده که می‌توان به موارد بی‌شماری از مفاهیم آن اشاره کرد از جمله این که «سه، نماد روحانیت است و رمز و آگاهی» (گورین، مورگان و ویلینگلهم، ۱۳۸۵، ۱۶۴).

رستم: کیفیت خرد و آگاهی در این نگاره تنها در شخصیت تهمینه خلاصه نمی‌شود، بلکه همان‌طور که از متن شاهنامه برمی‌آید و ذکر آن رفت، رستم نیز در کنار پهلوانی و جنگاوری از آن برخوردار است. به‌طوری که این خصیصه در رنگ جامه او نمود یافته است. قابل ذکر است که «رنگ مؤثرترین و برجسته‌ترین وجه تصاویر حسی و توصیفات تجسمی شاهنامه است» (ضابطی جهرمی، ۱۳۸۷، ۲۲۳). در شاهنامه، رنگ سبز به رستم اختصاص یافته است و زمانی که هجیر پهلوانان ایرانی را به سهراب معرفی می‌کند، سراپرده رستم را سبزرنگ توصیف می‌نماید. در نگاره حاضر نیز، رستم با لباسی سبزرنگ (تصویر ۴) که «رنگ تعقل، تفکر و آرامش خردمندان است» (آیت‌اللهی، ۱۳۸۸، ۱۵۷) بازنمایی شده است.

شمع: فضای داخل خوابگاه را دو شمع بلند روشن می‌کند که یکی در دست ملازم تهمینه و دیگری در بالای سر رستم در میانه پلان سوم قرار گرفته است (تصویر ۵). حضور شمع در نگاره را از سویی با توجه به مطرح‌شدن در مصرع‌های فرد در بیت اول و سوم داستان که در آنها به ترتیب به تاریکی شب، «چو یک بهره از تیره شب درگذشت»، و شمع در دست ملازم، «یکی برده شمعی معنیر به دست»، اشاره شده است و از سوی دیگر با نظر به ویژگی روشنایی‌بخشی و زدودن تیرگی، حاکی از نیروی عقل و آگاهی و «توصیف‌کننده دانایی، خرد و هوش» (قاسمی، ۱۳۸۹، ۳۵) دانست. فردوسی نیز براساس نیکو خردی که راهنمای بشر است، در شاهنامه خرد



تصویر ۵. دو شمعدان با شمع روشن در دو پلان نگاره. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. جامه سبز رنگ رستم. مأخذ: نگارندگان.

خردمند، و تهمینه که فردوسی او را خردمند و جایگاه خرد او را «روان» معرفی کرده است، تعمیم داد (تصویر ۶).

نقوش هندسی: نگاره نقوش هندسی از نقوش تزئینی در بنای معماری است. استفاده از نقوش هندسی به عنوان پوشش و تزئین سطوح بناها در نگارگری ایرانی از بسامد بالایی برخوردار است. در این نقوش قاعده‌مند، «هدف غایی هندسه که باب عقل روحانی است» (نجیب‌اوغلو، ۱۳۸۹، ۲۵۹) رعایت می‌شود. در نگاره حاضر نیز، نقوش هندسی در کاشی‌کاری‌های فضای داخلی خوابگاه بر پایه ساختاری قاعده‌مند در شکل کاشی‌هایی شش‌ضلعی، دیوار پشت سر تهمینه و کف خوابگاه را پوشانده و توانسته با تکثیر حداکثری خود در سطح نگاره، بر توان عقلانی هندسه، که امری بنیادی در هنر ایرانی-اسلامی است،

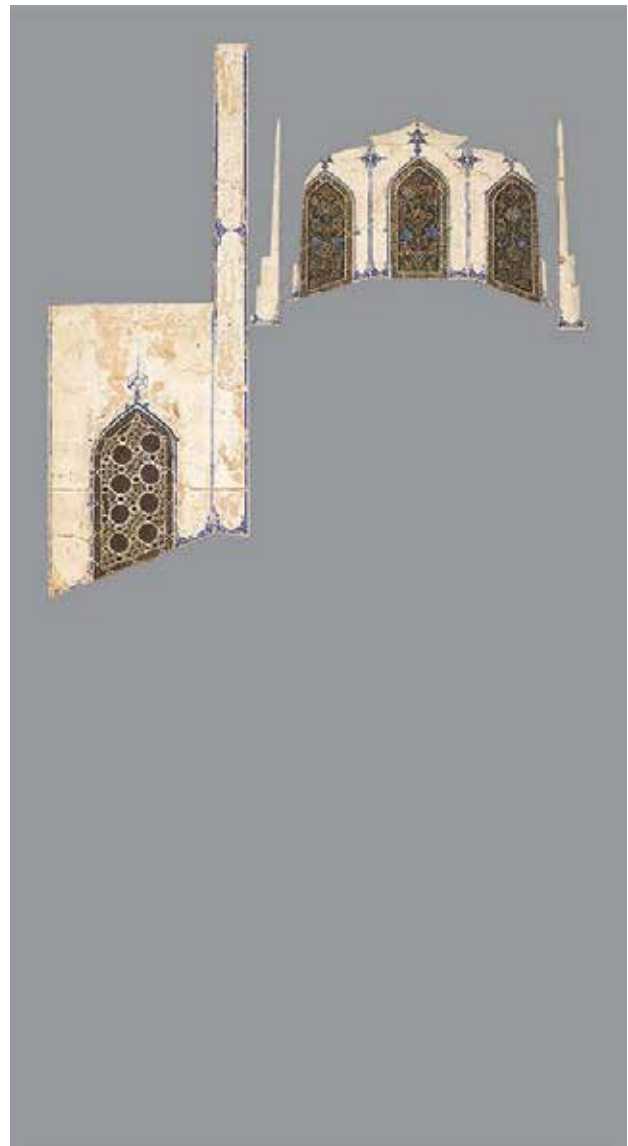
را شمع می‌خواند و آن را یابنده و راهنما به سوی حقیقت معرفی می‌کند:

ز بهر پرستش سر و تن بشست
به شمع خرد راه یزدان بجست
(فردوسی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ۸۳۰)

گستره سفیدرنگ بر دیوار بنای خوابگاه: به همراه تقسیم‌بندی‌ها و تزئینات داخل بنا، سطوح سفیدرنگ دیوار در بالای سر شخصیت‌ها، گسترده و یکدست در کنار قاب‌بندی‌های محرابی و سطوح آبی‌رنگ کاشی‌کاری‌ها دیده می‌شود. از حیث محتوا در علم میزان^۱، «رنگ عالم عقل، سفید است» (کربن، ۱۳۹۰، ۲۱۲) و به تقریب می‌توان کارکرد محتوایی این رنگ را در نگاره حاضر به توصیفات فردوسی از رستم، به‌مثابه مرد



تصویر ۷. نقش مایه مار بر روی تیردان رستم. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۶. گستره سفیدرنگ بر دیوار بنای خوابگاه. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۸. زنجیره اسلیمی با سه سطح به هم پیچیده و درهم تنیده. مأخذ: نگارندگان.

تأکید نموده و بر اشاعه مفهوم عقل و خرد در هماهنگی با بعد محتوایی نگاره بیفزاید.

نقش مایه مار: در طاقچه‌ای که در فضای داخلی خوابگاه تعبیه شده، بخشی از ابزار و ادوات جنگی رستم بر سطح دو میز کوچک قرار گرفته‌اند. بر روی یکی از میزها، تیردان رستم مزین به ماری سفیدرنگ دیده می‌شود (تصویر ۷). مار از جانورانی است که در اساطیر ملل مختلف به صورت‌های گوناگون مطرح می‌شود و گستره بسیطی از مفاهیم نمادین را در بر می‌گیرد که در متون اساطیری می‌توان به نمادهایی همچون بارورنمودن، عقل، قدرت و هوش (یا حقی، ۱۳۸۶) اشاره نمود و همچنین این حیوان خزنده «مظهر عقل و دارنده عقل» (بهار، ۱۳۸۷، ۲۸۳) معرفی شده است.

برآیند خردگرایی در دیدار تهمینه و رستم

مطابق داستان، هدف تهمینه از دیدار با رستم به دست آوردن تخمه پهلوانی و داشتن فرزندی از اوست. چراکه نژاد در قبایل اولیه، به عنوان عامل انتقال قدرت، مسئله بسیار مهمی محسوب می شد (مختاریان، ۱۳۸۶). حضور سهراب در ابتدا و انتهای داستان از دو کیفیت متفاوت برخوردار است. همچنان که از ابیات داستان دریافت می شود، در لحظه دیدار، سخن از دلدادگی است و تهمینه در ادامه سخنان خود به برآیند این عشق ورزی اشاره می کند که داشتن فرزندی از نژاد پهلوان ایرانی است و هدف اصلی این دیدار به شمار می رود. از همین رو کیفیت حضور سهراب در لحظه دیدار مستتر و پنهان بوده و سپس، با به انجام رسیدن امر دیدار، آرزوی تهمینه محقق شده و سهراب زاده می شود. با در نظر گرفتن مطالب مذکور از سویی و توجه به شیوه و ترتیب بیان فردوسی در داستان حاضر و اینکه ماجرای دیدار در ذیل داستان کلی رستم و سهراب گنجانده شده، از سویی دیگر، می توان به تقریب بیان نمود که تمام آنچه در داستان رخ داده به گونه ای متأثر از آرزوی تهمینه، که محقق شدن وجود و هستی سهراب بوده، است. اندکی تأمل در این امر و دخیل نمودن آن در بررسی نگاره به شناسایی

مواردی می انجامد که می تواند بر حضور مستتر و پنهان سهراب در نگاره اشاره داشته باشد.

در راستای مباحث فوق، زمانی که با رویکرد کمی به بررسی عناصر بصری نگاره می پردازیم و آنها را از منظر تعداد و تکرار مورد توجه قرار می دهیم به عدد سه و سیطره کمی و کیفی آن دست می یابیم که در مواردی نظیر پلان بندی سه قسمتی، حضور شخصیت های رستم، تهمینه و ملازم، سه موقعیت مکانی تهمینه، سه شمعدان، میز، قاب محرابی، پنجره و پرده و حرکت سه بخشی زنجیره اسلیمی نمود یافته و سه گانه های بصری را رقم زده است (تصویر ۱۰). توجه به عدد سه مخاطب را به سه شخصیت اصلی داستان حاضر: رستم، تهمینه و سهراب ارجاع می دهد که از این حیث می تواند با دیگر مفهوم عدد سه که «درببرگیرنده واژه همه» (کوپر، ۱۳۸۶، ۲۵) است در پیوند باشد. کیفیت حضور شخصیت های کلیدی مذکور نیز در نگاره حائز اهمیت است. در جست و جوی آنها، رستم و تهمینه در نگاه اول به صورت آشکار قابل شناسایی هستند، اما سهراب از حضوری پنهان برخوردار است که احتمال دارد نگارگر با تأثیر از روند روایت داستان و تدبیر تهمینه از مصور کردن عینی سهراب پرهیز نموده و حضور او را به صورت نمادین به حضور عناصر سه گانه منوط کرده باشد.



تصویر ۱۰. سیطره کمی و کیفی عدد سه در عناصر سه گانه نگاره. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۹. سه قاب محرابی شکل بر فراز پنجره های خوابگاه. مأخذ: نگارندگان.

نتیجه گیری

مضمون خرد در شاهنامه وام‌دار متون باستانی و فرهنگ اسلامی است. براساس این آموزه‌ها، خرد در دو نوع فطری و اکتسابی با دو کارکرد نیک و بد معرفی شده است. فردوسی نیز در شاهنامه، با الهام از آموزه‌های حکمی، خرد را سنگ پایه شاهنامه قرار داده است. حضور مسلط مضمون خرد در ابیات شاهنامه موجب شده که کنش پهلوانان داستان از منظر شاهنامه‌پژوهان همواره با سنجه خرد مورد تحلیل قرار گیرد. اما در این میان، کیفیت نگاه نگارگر به شاهنامه، میزان آگاهی او از حضور مضمون خرد در داستان و چگونگی تدابیر تجسمی نگارگر در بازنمود تصویری این مضمون قابل تأمل است. در این راستا مقاله حاضر داستان و نگاره دیدار تهمینه و رستم انتخاب نموده است.

با توجه به متن داستان، فردوسی در توصیف رستم و تهمینه هر دو را از خرد بهره‌مند دانسته، اما در بیان، دو شیوه متفاوت صریح و ضمنی را اتخاذ نموده است. در شاهنامه، شخصیت رستم همواره خردمند و به‌دور از آز و طمع توصیف شده است که بیان هنری و تجسمی فردوسی در اشاراتی به سراپرده سبز رنگ رستم این نگاه را قوت می‌بخشد. توصیف تهمینه از نگاه رستم است و از زبان او تهمینه زنی خردمند و پاک‌روان معرفی می‌شود. اما نکته حائز اهمیت توصیفی است که تهمینه از خود ارائه می‌دهد و بیان می‌دارد که من برای رسیدن به تو خرد را به‌خاطر عشق کشته‌ام، چراکه خرد با عشق بر نمی‌تابد. از ظاهر این توصیف بی‌خردی تهمینه در آن لحظه برمی‌آید، اما با نگاهی ژرف‌شناسانه می‌توان تدبیر فردوسی را در دگرگونه بیان نمودن خرد دریافت نمود. خرد اکتسابی می‌تواند به فراخور اهداف گوناگون از انواع متنوعی برخوردار باشد که در این داستان و با توجه به اشارات فردوسی، خرد سیاسی تهمینه همچنان پویاست. چراکه او از این دیدار فرزنددار شدن از رستم و به‌دست آوردن تخمه و نژاد او را هدف قرار داده است.

پی‌جویی اوصاف مذکور و حضور تجسمی آنها در نگاره نیز به میزان آشنایی و دریافت نگارگر از سویی و مهارت و تدبیر او از سویی دیگر بستگی دارد. بررسی‌ها حکایت از آن دارد که نگارگر همچون هر فرد دیگری در ارتباط با شاعران، ادبا و حکیمان هم‌عصر خویش و با مطالعه در آثار پیشینیان به آگاهی‌های عمومی و در برخی موارد تخصصی دست یافته است و به‌موجب آن در مصورنمودن داستان آگاهانه یا ناآگاهانه مفهوم یا مفاهیم کلیدی گنجانده شده در متن انتخابی را اشاعه داده است. نگارگر داستان دیدار تهمینه و رستم نیز از این امر مستثنی نبوده و با بررسی‌های صورت‌گرفته می‌توان ادعان داشت که آگاهی از مضمون خرد و توجه به بعد تجسمی آن در نگاره مورد توجه نگارگر بوده است و به تقریب می‌توان گفت که مواردی همچون لباس سبزرنگ رستم و نقش مایه

مار سفیدرنگ روی تیردان او متضمن خردمندی رستم بوده، چراکه نگارگر به خردمندی او آگاهی داشته و رنگ سبز لباس رستم را با توصیف تجسمی فردوسی از او مقارن نموده است. همچنین تزیینات تیردان نیز می‌توانست دربرگیرنده نقوش ختایی و اسلیمی باشد، اما ماری سفیدرنگ، که گستره‌ای از مفاهیم نظیر خرد و آگاهی را در بر می‌گیرد، بر روی تیردان رستم نقش بسته است. خردمندی تهمینه نیز، به تأسی از بیان فردوسی، به‌صورت مستتر و در موقعیت مکانی او، که متضمن عدد سه می‌باشد، بازنمود یافته است. همچنین می‌توان ادعان داشت که عناصر کاربردی و تزیینی به‌کاررفته در فضای داخلی خوابگاه از جمله شمع‌ها، نقوش هندسی و گستره سفیدرنگ دیوار نیز در بعد محتوایی خود، به‌عنوان عناصر مکمل، به دریافت مفهوم خرد کمک نموده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «در عرفان اسلامی، بنیاد مابعدالطبیعی و عرفانی علم تطابق‌ها را علم میزان (علم‌المیزان) نامیده‌اند» (کربن، ۱۳۹۰، ۸۷).

فهرست منابع

- آژند، یعقوب. (۱۳۸۷). مکتب نگارگری شیراز. تهران: فرهنگستان هنر.
- آیت‌اللهی، حبیب. (۱۳۸۸). مبانی نظری هنرهای تجسمی. تهران: سمت.
- اندرز اوشنر دانا. (۱۳۷۳). ترجمه ابراهیم میرزای ناظر، تهران: هیرمند.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۶۳). زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه. تهران: ابن‌سینا.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۷۰). سرو سایه‌فکن. تهران: انجمن خوشنویسان ایران.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۱). چهار سخنگوی وجدان ایرانی. تهران: قطره.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۷). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: آگه.
- تمیمی آمدی، عبدالوحد (گردآورنده). (۱۳۸۰). غررالحکم و دررالکلم. (ترجمه هاشم رسولی محلاتی، ج. ۲). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- گات‌ها. (۱۳۸۴). به کوشش ابراهیم پورداوود، تهران: اساطیر.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی معماری ایران. تهران: سروش دانش.
- تفضلی، احمد. (۱۳۸۵). مینوی خرد (ترجمه ژاله آموزگار). تهران: توس.
- خاتمی، احمد. (۱۳۸۷). بررسی آداب پیوند زناشویی و امور خانواده در شاهنامه فردوسی. خانواده‌پژوهی، ۴(۱۵)، ۳۰۳-۳۲۰.
- حریری، ناصر. (۱۳۷۵). فردوسی، زن و تراژدی. بابل: کتابسرای بابل.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۸). حماسه رستم و سهراب. تهران: جامی.
- رضایی، مهدی و خاتمی، سیدهاشم. (۱۳۹۵). مقایسه خرد در شاهنامه با متون ایرانی پیش از اسلام براساس زبان‌شناسی متن. ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۱۲(۴۳)، ۱۱۵-۱۵۱.
- رضایی دشت‌ارژنه، محمود. (۱۳۹۱). شکوه خرد در شاهنامه فردوسی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ریاحی، محمدامین. (۱۳۷۵). فردوسی. تهران: طرح نو.
- رویانی، وحید. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی شخصیت‌های تهمینه و آرمیس. ادبیات تطبیقی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، ۱۱، ۱۱۷-۱۴۰.

- صفاء ذبیح‌الله. (۱۳۶۲). *حماسه سرایی در ایران*. تهران: فردوسی.
- ضابطی جهرمی، احمد. (۱۳۸۷). *سینما و ساختار تصاویر شعری در شاهنامه*. تهران: کتاب فرا.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). *شاهنامه* (ج. ۱ و ۲). (بر پایه چاپ مسکو)، تهران: هرمس.
- فریه، ر دبلیو. (۱۳۷۴). *درباره هنرهای ایران* (ترجمه پرویز مرزبان)، تهران: فرزانه روز.
- قاسمی، ریحانه. (۱۳۸۹). *رنگ و فرمانروای فرهنگ*. قم: دارالعلم.
- کربن، هانری. (۱۳۹۰). *واقع‌انگاری رنگ‌ها و علم میزان* (ترجمه انشاءالله رحمتی). تهران: سوفیا.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۲). *اصول کافی* (ترجمه محمدباقر کمره‌ای، ج. ۱). تهران: اسوه.
- کنبی، شیلا. (۱۳۷۸). *نقاشی ایرانی* (ترجمه مهدی حسینی)، تهران: دانشگاه هنر.
- کوپر، جی. سی. (۱۳۸۶). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی* (ترجمه ملیحه کرباسیان). تهران: نو.
- کوورکیان، آنه ماری و سیکر، جین. (۱۳۷۷). *باغ‌های خیال، هفت قرن مینیاتور ایران* (ترجمه پرویز مرزبان). تهران: فرزانه روز.
- گال، مردیت؛ بورگ، وایتر و گال، جوئیس. (۱۳۹۰). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی* (ترجمه گروه مترجمان، ج. ۲). تهران: سمت و دانشگاه شهید بهشتی.
- گورین، ویلفرد؛ مورگان، لی و ویلینگلم، جان. (۱۳۸۵). *مبانی نقد ادبی* (ترجمه فرزانه طاهری). تهران: نیلوفر.
- مانزو، ژان پل. (۱۳۸۰). *هنر در آسیای مرکزی* (ترجمه محمد موسوی هاشمی گلپایگانی). مشهد: به‌نشر.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۷۸). *خردگرایی در قرآن و حدیث* (ترجمه مهدی مهریزی). قم: دارالحدیث.
- مختاریان، بهار. (۱۳۸۴). *تهمینه (تهمینه) کیست؟ پژوهشی در اسطوره‌شناسی تطبیقی*. *نامه فرهنگستان*، (۳)، ۱۵۰-۱۷۹.
- موسوی، کاظم و خسروی، اشرف. (۱۳۸۹). *پیوند خرد و اسطوره در شاهنامه*. تهران: علمی و فرهنگی.
- نجیب‌اوغلو، گل‌رو. (۱۳۸۹). *هندسه و تزیین در معماری اسلامی: طومار تویقایی* (ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی). تهران: روزنه.
- نصر اصفهانی، زهرا. (۱۳۷۹). *شخصیت و جایگاه زن در منظومه‌های غنایی تعلیمی و عرفانی*. رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- وجدانی، فریده. (۱۳۹۱). *نقد خرد در شاهنامه*. *فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، (۲۴)، ۴۱-۵۳.
- ویلبر، دونالد و گلمبگ، لیزا. (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران* (ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی). تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- Hillenbrand, R. (2000). *Persian Painting: from the Mongols to the Qajars*. London: I. B. Tauris.
- Harvard Art Museums. (2016). *Tahmina Comes into Rustam's Chamber; illustrated folio from a manuscript of the Shahnama of Firdawsi*. Retrieved from <http://www.harvardartmuseums.org/collections/object/303529?position>

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

**نحوه ارجاع به این مقاله:**

رضاپور مقدم، رویا و حرمتی، حمیده (۱۳۹۸). مؤلفه‌های خردگرایی در نگاره‌های شاهنامه، موردپژوهی نگاره دیدار تهمینه و رستم. *باغ نظر*، ۱۶(۸۰)، ۱۷-۲۸.

DOI: 10.22034/bagh.2019.149583.3787

URL: http://www.bagh-sj.com/article_99236.html

